

خطاب إلى طلبة الحوزة العلمية

خطاب به طلاب حوزه‌های علمیه در نجف اشرف و در قم و در کلیه نقاط زمین



سید أحمد الحسن عليه السلام

وصی و رسول امام مهدی عليه السلام

۸ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ. ق

متن و ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله على بلاءه وعظيم نعماءه

(وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَدِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعَذِرَةَ إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ * فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ بَيِّنٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ).

إلى طلبة الحوزة العلمية في النجف الأشرف وفي قم وفي كل بقعة على هذه الأرض؛ انصفوا أنفسكم واعطفوا بقلوبكم على الحكمة، وتدبروا كلامي تدبر منصف، ولا تقطعوا رحم محمد (صلى الله عليه وآله)، فإنها معلقة بالعرش تقول: (يا رب صل من وصلني، واقطع من قطعني).

بسم الله الرحمن الرحيم، حمد و سپاس خداوند بر بلايا و نعمت‌های عظیمش: «و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا قومی را پند می‌دهید که خدا هلاکشان خواهد کرد یا به عذابی دردناک مبتلا خواهد ساخت؟ گفتند: تا ما را نزد پروردگارتان عذری باشد. و باشد که پرهیزگار شوند. * اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) آنان که از بدی پرهیز می‌کردند نجات دادیم و ستمکاران را به سبب نافرمانیشان به عذابی سخت فرو گرفتیم»^(۱).

خطاب به طلبه‌های حوزه‌های علمیه نجف اشرف و در قم و در کلیه نقاط زمین؛ با خود منصف باشید و با قلب‌هایتان به حکمت معطوف شوید، و سخنان مرا با انصاف تدبیر کنید، و صله رحم محمد (ص) را قطع نکنید، زیرا که به عرش الهی متصل است و می‌گوید: (پروردگارا هر که با من وصلت کرد با او وصلت کن، و هر که با من قطع رابطه کرد با او قطع رابطه کن).

بأي ثقلي الهدى تمسكتم: أبالقرآن أم بالعترة؟! هل سألتكم أنفسكم، أما القرآن فقد نبذتموه وراء ظهوركم وجعلتموه أخف الأشياء في ميزانكم. وأما العترة فقد ذرتم حكمتهم اليمانية، ورواياتهم الربانية، ذرو الریح للهشيم. فقبلتم ما وافق أهواكم وان قل رواته، ونبذتم ما خالف آراءكم وان تواتر عنهم (عليهم السلام). تقولون إن رواياتهم التي وصفوني بها ليست حجة، ووصية رسول الله (صلى الله عليه وآله) بالأئمة وبي وبالمهديين ليست حجة، ومعرفة القرآن وطُرق السماوات ليست حجة، فما أخف محمد (صلى الله عليه وآله) وآله والقرآن والعترة في ميزانكم، وما أهونهم عند عقولكم. والحق أقول لكم: إن في التوراة مكتوب: (توکل علی بكل قلبك ولا تعتمد علی فهمك، فی کل طریق إعرفني، وأنا أقوم سبيلك، لا تحسب نفسك حكيمًا، إكرمني وأدب نفسك بقولي). وفي القرآن: (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ).

به کدام یک از ثقلین تمسک جستید: به قرآن یا به عترت؟! آیا از خود پرسیده‌اید؟ اما قرآن، شما آن را پشت سر خود نهادید و آن را به عنوان بی ارزش‌ترین چیزها در میزان خود قرار دادید. و اما عترت،

حکمت یمانی آنها را دور انداختید و روایات ربانی آنها را مانند غباری که هوا آن را پراکنده کرده آنها را پراکنده کردید. و هر آنچه موافق هوای نفس شما بود پذیرفتید، هر چند که راویان آن کم بودند. و آنچه مخالف هوای نفس شما بود، هر چند که از آنها (ع) به حد تواتر رسید، رد کردید. می گوید: روایاتی که مرا توصیف کرده اند، حجت نیستند. و وصیت رسول خدا (ص) به ائمه و به من و مهدیین حجت نیست. و معرفت قرآن و راه های آسمانی حجت نیستند. حضرت محمد (ص) و قرآن و عترت در میزان شما چقدر بی ارزش و در عقلهای شما چقدر بی اهمیت، هستند. حق را به شما می گویم: در تورات نوشته شده: «بر من با تمام وجودت توکل کن، و بر فهم خود اعتماد نکن، به هر طریقی مرا بشناس، و من راه تو را استوار می کنم، خود را حکیم حساب نکن، به من احترام بگذار و با سخنانم، خود را ادب نما».^(۲) و در قرآن: «و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه های خود را بر آنان می نمایم و در حقیقت خدا با نیکو کاران است».^(۳)

تقولون نحن نقبل شهادة العدلین؛ فها الله یشهد لی، و محمد (صلی الله علیه وآله) یشهد لی، و علی امیرالمومنین (علیه السلام) یشهد لی، و فاطمة الزهرا (علیه السلام) تشهد لی، و الحسن (علیه السلام) یشهد لی، و الحسن بن علی (علیه السلام) یشهد لی، و علی بن الحسین و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد (علیهم السلام) یشهدون لی، بمئات الرؤی التي رأها المؤمنون. أفلا تقبلون شهادتهم و قولهم و نصحهم لكم؟ ألم یخبروكم انهم یجتمعون علی صاحب الحق إذا جاء؟ و قالوا (علیهم السلام): (فإذا رأیتمونا قد اجتمعنا علی رجل فأتهدوا إلینا بالسلاح).

شما می گوید شهادت دو نفر عادل را قبول داریم؛ در حالی که این خداست که برای من شهادت می دهد، و محمد (ص) نیز شهادت می دهد، و علی امیرالمومنین (ع) نیز شهادت می دهد، و فاطمه زهرا (ع) شهادت می دهد، و حسن (ع) برایم شهادت می دهد و حسین (ع) برایم شهادت می دهد، و علی بن حسین و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد (علیهم السلام) به وسیله صدها رؤیا که مؤمنان دیده اند، برای من شهادت می دهند. آیا شهادت آنها و سخن آنها و نصایح آنها را قبول ندارید؟ آیا به شما خبر نداده اند که بر صاحب حق جمع می شوند، هنگامی که بیاید؟ و فرمودند (ع): «اگر دیدید که بر مردی اجتماع کردیم، با تمام سلاحتان (با آنچه در توان دارید) به سوی ما بشتابید؟».^(۴)

تقولون إن الشیطان یتمثل برسول الله محمد (صلی الله علیه وآله): (لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً إِذَا * تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا). و الله یقول: (وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ * وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا

۲. کتاب المقدس: سفر الأمثال ۳: ۵-۱۴

۳. العنکبوت: ۶۹

۴. غیبة النعمانی ص ۱۹۷

يَسْتَطِيعُونَ). فإذا كان الشيطان (لعنه الله) لا يستطيع أن ينطق بحرف من القرآن، فكيف يتمثل بمحمد (صلى الله عليه وآله) وهو القرآن كله. (قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيزُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)، من بيده ملكوت السماوات والأرض، ما أنصفتم الله إذ جعلتم الملكوت بيد الشيطان، وانتهكتم حرمة رسول الله (صلى الله عليه وآله)، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.

می‌گویید که شیطان به صورت رسول خدا محمد (ص) ظاهر می‌شود: «واقعاً چیز زشتی را بر زبان آوردید * چیزی نمانده که آسمان‌ها از این سخن بشکافند و زمین چاک خورد و کوه‌ها به شدت فرو ریزند». (۵) در حالی که خداوند می‌فرماید: «و شیاطین آن را فرود نیاورده‌اند * و آنان را سزاوار نیست و نمی‌توانند وحی کنند». (۶) پس اگر شیطان (لعنه الله) نمی‌تواند حتی حرفی از قرآن به زبان خود بیاورد، چگونه به صورت محمد (ص) ظاهر می‌شود؟ در صورتی که محمد (ص) کل قرآن است. «بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست و اگر می‌دانید کیست آنکه او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود». (۷) چه کسی ملکوت آسمان‌ها و زمین به دست اوست؟ به خدا که انصاف پیشه نکردید، وقتی که ملکوت آسمان‌ها را بدست شیطان سپردید و حرمت رسول خدا (ص) را آرج نهادید، ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.

تستخفون الناس وتقولون لهم: وهل رأيتم رسول الله (صلى الله عليه وآله) حتى تعرفونه بالرؤيا، سبحان الله. وهل كان أحد في زمن الإمام الصادق (عليه السلام) رأى رسول الله (صلى الله عليه وآله) حتى يقول الإمام الصادق (عليه السلام) من أراد أن يرى رسول الله (صلى الله عليه وآله) بالرؤيا فليفعل كذا وكذا؟! والروايات كثيرة في هذا المعنى، فراجعوا دار السلام وغيره من كتب الحديث.

مردم را به مسخره می‌گیرید، و به آنها می‌گویید: آیا رسول خدا (ص) را دیده‌اید تا اینکه در رؤیا او را بشناسید؟ سبحان الله، آیا در زمان امام صادق (ع) کسی رسول خدا (ص) را دیده که امام صادق (ع) می‌فرماید: هر کس بخواهد رسول خدا (ص) را در رؤیا ببیند، اینچنین و اینچنین عمل کند؟ و روایات زیادی در این باره وجود دارد، برای اطلاع بیشتر به کتاب دار السلام، و دیگر کتب احادیث مراجعه کنید.

تقولون الرؤيا حجة على صاحبها فقط، فترون شهادة المؤمن العادل، الذي رأى وسمع في ملكوت السماوات رسول الله (صلى الله عليه وآله) واخبره بالحق، فكيف إذن تقبلون شهادته فيما رأى وسمع في هذا العالم الجسماني (تلك إذا قسمة ضيرى). في حديث عن الإمام الحسن العسكري (عليه السلام) بعد ما رآه الفضل بن الحارث في المنام وقال له ما قال، قال الإمام (عليه السلام): (إن كلامنا في النوم مثل كلامنا في اليقظة).

۵. مریج: ۸۹-۹۰

۶. الشعراء: ۲۱۰-۲۱۱

۷. المؤمنون: ۸۸

می گویند؛ که رؤیا تنها برای صاحبش حجت است، و شهادت انسان مؤمن عادل را رد می کنید، کسی که رسول خدا (ص) را در ملکوت آسمانها دیده و شنیده و به او خبر حق را داده است، پس چگونه شهادت وی را درباره آنچه که در این دنیای مادی شنیده و دیده است، قبول می کنید که: **(در این صورت این تقسیم است نادرست)**.^(۸) در حدیثی از امام حسن عسکری (ع) بعد از اینکه فضل بن حارث در خواب، او را دیده بود و بین آنها سخنانی، ردوبدل شده بود، نقل شده که امام (ع) فرمود: **«کلام و سخن ما در خواب مانند کلام ما در بیداری است»**.^(۹)

ألم يقبل رسول الله (صلى الله عليه وآله) إيمان خالد بن سعيد الأموي، لأنه رأى رؤيا. ألم يقبل رسول الله (صلى الله عليه وآله) إيمان يهودي رأى رؤيا بموسى بن عمران (عليه السلام) وقال له: إن محمد (صلى الله عليه وآله) حق. ألم يقبل الإمام الرضا (عليه السلام) إيمان الواقفية لأنهم رأوا رؤى بأنه (ع) حق. ألم يقبل الإمام الحسين (عليه السلام) إيمان وهب النصراني، لأنه رأى رؤيا. ألم تأتي نرجس أم الإمام المهدي (عليه السلام) إلى الإمام الحسن العسكري بسبب رؤيا رأيتها، ألم ... وألم... إنا لله وإنا إليه راجعون، ما اثقل الدنيا في كفة ميزانكم، وما أخف ملكوت السماوات عند أهواءكم وآراءكم، تدبروا حال الأمم التي سبقتكم مع أنبيائهم (عليهم السلام). وأنصفوا أنفسكم واعطفوا بقلوبكم على الحكمة.

آیا رسول خدا (ص) ایمان خالد بن سعید اموی را قبول نکرد چون رؤیا دیده بود؟ آیا رسول خدا (ص) ایمان آن مرد یهودی که در رؤیا موسی بن عمران (ع) را دیده بود، و به او فرمود که محمد (ص) حق است، قبول نکرد؟ آیا امام رضا (ع) ایمان واقفیان را قبول نکرد چون که در رؤیا دیده بودند وی بر حق است؟ آیا امام حسین (ع) ایمان وهب نصرانی را قبول نکرد چون که رؤیا دیده بود؟ آیا نرجس مادر امام مهدی (ع) بوسیله دیدن رؤیا نزد امام حسن عسکری (ع) نیامد؟ آیا ... و آیا ... إنا لله وإنا إليه راجعون؛ دنیا در میزان و ترازو شما چقدر با ارزش و سنگین و ملکوت آسمانها در هوای نفسانی و نظر شما چقدر بی ارزش است. احوال امت های را که قبل از شما با انبیاء خود (ع) بودند، مطالعه کنید. و یا خود منصف باشید؛ و با قلب هایتان به حکمت معطوف شوید.

سأنصح لكم وأنذركم وافتح صفحة الحسين (عليه السلام) باباً لنصحي، عسى أن يكون فيكم عاقل، يثوب إلى رشفه، وينقذ نفسه من التردى في هاوية الجحيم. الحسين (عليه السلام) فداء عرش الله سبحانه وتعالى. ولم يكن الدين الإلهي يستقيم ويتمخض عن دولة العدل الإلهي في آخر الزمان لولا دماء الحسين (عليه السلام). لقد بين الإمام الحسين (عليه السلام) إن الدين الإلهي لا يستقيم إلا بدمه المقدس. فلولا دماء الحسين التي سالت على أرض كربلاء لذهبت جهود الأنبياء والمرسلين، وجهود محمد (صلى الله عليه وآله)

^۸. النجم: ۲۲

^۹. سفينة البحار ج ۱۰ ص ۱۹۹

وعلي (عليه السلام) وفاطمة والحسن (عليهم السلام) سدى، ولما استطاع الأئمة من ولد الحسين (عليه السلام) ترسيخ قواعد الدين الإلهي، والولاية الإلهية وحاكمية الله سبحانه وتعالى. وكل من يحاول جعل الحسين (عليه السلام) مجرد إمام قتل ليبيكي عليه الناس، فهو شريك في دم الحسين (عليه السلام). وهو ممن يحاول قتل الحسين (عليه السلام) في هذا الزمان.

شما را نصیحت می‌کنم، و به شما هشدار می‌دهم، و صحفه جدیدی از حسین (ع) برای نصیحت شما باز می‌کنم؛ شاید بین شما عاقلی باشد که بر سر عقل آید، و خود را از ورود به آتش جهنم نجات دهد. حسین (ع) فدای عرش خدای سبحان و متعال است. و اگر خون حسین (ع) نبود دین الهی در آخرالزمان باقی نمی‌ماند و از تحقق دور می‌شد. امام حسین (ع) نشان داد که دین الهی بدون خون مقدسش، باقی نمی‌ماند. اگر خون حسین (ع) در کربلا جاری نمی‌شد، تلاش انبیاء و فرستادگان، و تلاش محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه و حسن (ع) به هدر می‌رفت و بقیه ائمه معصومین از فرزندان حسین (ع) توانایی تثبیت قواعد دین الهی و ولایت الهی و حاکمیت خداوند سبحان و متعال را نمی‌توانستند نهادینه کنند. و هر کس تلاش کند، از حسین (ع) تنها امامی مقتول بسازد، تا مردم بر وی گریه کنند، وی نیز در ریختن خون حسین (ع) شریک می‌باشد. و او کسی است که تلاش می‌کند حسین (ع) را در این زمان به قتل برساند.

لقد واجه الحسين في كربلاء الشيطان (لعنه الله) بكل رموزه الخبيثة، واجه الحسين (عليه السلام) الحكام الذين تسلطوا على الأمة الإسلامية، ونقضوا حاكمية الله سبحانه وتعالى، وواجه الحسين (عليه السلام) العلماء غير العاملين: شريح القاضي، وشبث ابن ربعي، وشمير ابن ذي الجوشن وأمثالهم، وكانوا اخطر حلقات المواجهة، لأنهم تسربلوا بلباس الدين، واهموا الناس انهم سلوا على الحسين (عليه السلام) سيف محمد (صلى الله عليه وآله) ظلما وزورا، وادعوا أنهم يمثلون الدين الإلهي كذباً وافتراءً على الله سبحانه وتعالى، وقد أخبر عنهم (عليه السلام) انهم سلوا عليه سيفاً له في أيامهم.

وواجه الحسين (عليه السلام) في كربلاء الدنيا وزخرفها. ولم يُطْلَقْها وينظم إلى ركب الحسين (عليه السلام) وركب الأنبياء والمرسلين، وركب الحقيقة والنور إلا القليل ممن وفي بعهد الله سبحانه وتعالى. وواجه الحسين (عليه السلام) في كربلاء الأنا، وكان فارس هذه المواجهة بعد الحسين (عليه السلام)، وخير من خاض في هيجائها هو العباس بن علي (عليه السلام) عندما ألقى الماء، واغترف من القرآن: (يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ). وأي خصاصة كانت خصاصة العباس (عليه السلام) وأي أيثار كان إيثاره؟! وهل كان إيثاراً أم انه أمر تضيق في وصفه الكلمات.

وواجه الحسين (عليه السلام) في كربلاء إبليس (لعنه الله) عدو بني آدم القديم، الذي توعد أن يظلمهم عن الصراط المستقيم، ويُرْدِمهم في هاوية الجحيم. ولقد انتصر الحسين وأصحابه في هذه المواجهة.

حسین (ع) در کربلا با تمامی شیوه‌های خبیثانه شیطان مواجه شد. حسین (ع) با حاکمانی که بر امت اسلامی مسلط شده بودند و حاکمیت خدا را نقض کردند مواجه شده بود. حسین (ع) با علمای بی عمل

مواجه شد، علمای همچون: شریح قاضی، شبت بن ربیع، شمر بن ذی الجوشن و امثالشان که خطرناک‌ترین مهره‌های جبهه مبارزه بودند. زیرا که با لباس دین آمده بودند، و مردم را گول زده و متوهم ساختند که آنها بر حسین (ع) شمشیر محمد «ص» را به ظلم و تزویر از غلاف بیرون کشیدند. و با دروغ و افتراء به خدا ادعا کردند که نمایندگان دین الهی هستند. در حالی که حسین (ع) خبر آنها را داده بود که شمشیرهایشان را بعد سوگندی که یاد کرده بودند، (برعلیه او) خواهند کشید.

حسین (ع) در کربلا با دنیا و زیورآلات آن رو به رو شد. و هیچ کس دنیا را طلاق نداد و به کاروان انبیاء و مرسلین و کاروان حقیقت و نور نیوست، مگر عده اندکی که به عهد خدا وفا کردند.

حسین (ع) در کربلا با منیت «أنا» رو به رو شد، و سوارکار این رویارویی بعد از حسین (ع)، و بهترین کسی که در میدان جنگ با آن «أنانیت» رو به رو شد عباس بن علی (ع) بود، آن هنگام که آب را از دست خود به زمین ریخت و به جای آن از قرآن جرعه ای برداشت: «**آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند**».^(۱۰) و کدامین احتیاج، همچون احتیاج عباس (ع) بود؟ و کدامین ایثار همچون ایثار وی بود؟ آیا ایثار بود؟ یا اینکه به علت ناتوانی کلمات در وصف، آن را ایثار نامیدیم.

همچنین حسین (ع) در کربلا با ابلیس (لعنه الله) دشمن قدیمی بنی آدم روبرو شد. کسی که وعده داده بود همه را از صراط مستقیم گمراه کند و وارد آتش جهنم نماید، و به تحقیق که حسین و یارانش در این مبارزه پیروز شدند.

فأما الحكام الظلمة فقد قتلهم الحسين (عليه السلام)، وبين بطلان حاكمية الناس بكل صورها، سواء كانت بالشورى فيما بينهم (الانتخابات) أم بالتنصيب من الناس، وبين الحسين (عليه السلام) أن الحاكمية لله سبحانه وتعالى لأنه مالك الملك، فله أن ينصب سبحانه وعلى الناس أن تقبل تنصيبه ومن يرفض تنصيب الله سبحانه فقد خرج عن عبوديته سبحانه وتعالى كخروج إبليس (لعنه الله) لما اعترض على تنصيب آدم (عليه السلام) خليفة لله في أرضه ورفض طاعته والخضوع له. فلا يستجلبكم إبليس ببدائه ولا يُعديكم بدائه، قال تعالى: (قُلِ اللَّهِمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

وَأما العلماء غير العاملين فقد فضحهم الحسين (عليه السلام) وأزال برقع القدسية الزائفة عن وجوههم المظلمة النتنة وبقي موقف الحسين (عليه السلام) في كربلاء ميزان الحق والعدل والتوحيد يستعمله من أراد استعماله في كل زمان ليرى من خلاله الوجوه المسوخة لعلماء الضلالة غير العاملين من وراء براقع القدسية الزائفة.

و اما حاکمان ظالم، حسین (ع) همه آنها را کشت، و باطل بودن حاکمیت مردم را به هر نحو ممکن آشکار ساخت، حال این اتفاق چه به وسیله شورا (انتخابات) بین آنها باشد و چه با برگزیدن از طرف مردم. و حسین (ع) آشکار کرد که حاکمیت برای خداوند می‌باشد چرا که او مالک مُلک است. و این حق اوست که برای مردم حاکم را برگزیند و بر مردم واجب است که بپذیرند، و هر کس انتخاب خداوند را رد کند همچون ابلیس (لعنه الله) از درگاه بندگی خداوند رانده می‌شوند آن هنگامی که بر انتخاب آدم (ع) بعنوان خلیفه خداوند در زمینش اعتراض کرد و اطاعت و تسلیم در مقابل او را رد کرد پس مواظب باشید که ابلیس با ندایش شما را از راه به در نکند و به بیماری خود بیمار تان نکند. خدای متعال فرمود: «بگو: بار خدایا، ای پادشاه ملک هستی، تو هر که را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی ملک و سلطنت بازگیری، و هر که را خواهی عزت دهی و هر که را خواهی خوار گردانی، هر خیر و نیکویی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی». (۱۱)

و اما علمای بی عمل؛ حسین (ع) آنها را به خفت و خواری کشاند، و نقاب مقدس نمایی ظاهری را از صورت‌های سیاه و پلیدشان برداشت. ایستادگی حسین (ع) در کربلا میزان حق و عدل و توحید را روشن ساخت، تا هر کس که بخواهد از آن در هر زمان استفاده کند تا بوسیله آن صورت‌های مسموخ علمای گمراه غیرعامل را از پس آن نقاب‌های مقدس نمای ظاهری، بشناسد.

وأما الدنيا وزخرفها فقد طَلَّقَهَا الحسين (عليه السلام) وأصحابه (عليهم السلام) وساروا في ركب الحقيقة والنور الإلهي، وهذا الميزان الثاني الذي رَسَخَ الحسين (عليه السلام) بدمه المقدس بالفعل لا بالقول، فَبَيَّنَ (عليه السلام) بفعله إِنَّ الدنيا والآخرة ضَرَّتَانِ لا تجتمعان في قلب إنسان، فإذا دخلت إحداهما في قلب الإنسان خرجت الأخرى وإذا سار الإنسان إلى إحداهما إبتعد عن الأخرى، فمن أراد الله سبحانه وأراد الآخرة لا محيص له عن طلاق الدنيا.

و اما الأنا فيكفي أن نقول إن الجود بالنفس غاية الجود، لقد قوتلت الأنا في كربلاء قتالا عظيما وانتصرت الإنسانية على الأنا في كربلاء، انتصاراً ترسَخَ ميزاناً إلهياً عادلاً يعطي لكل ذي حق حقه، ميزان الشهادة التي شهدها الحسين (عليه السلام) وأصحابه (عليهم السلام) بدمائهم أن لا اله إلا الله. وأما إبليس (لعنه الله) ففي واقعة كربلاء وضع الحسين (عليه السلام) الأغلال في يديه وفي رجله وغرس حربة في صدره، فلا يزال متشحطاً بدمه يئن من تلك النازلة العظيمة التي نزلت به، حتى يضرب القائم عنقه في مسجد الكوفة.

اما دنیا و متعلقات آن؛ حسین (ع) و یارانش (ع) آنرا طلاق داده و با کاروان حقیقت و نور الهی همراه شدند. و این دومین میزانی است که حسین (ع) با خون مقدسش با عمل و نه با سخن آنرا ترسیخ کرد. حسین

(ع) با عملش ثابت کرد که دنیا و آخرت متناقض هم دیگرند و هر دو در قلب یک انسان جمع نمی‌شوند. اگر یکی از آنها در قلب جای گرفت دیگری از قلب انسان خارج می‌شود، و اگر انسان به سوی یکی از آنها رفت از دیگری فاصله می‌گیرد. و هر کس خدا و آخرت را بخواهد چاره‌ای جز طلاق دنیا ندارد. و اما «منیت»؛ کافی است که بگوییم بخشیدن نفس آخرین و نهایت بخشش‌هاست. به تحقیق که «منیت» در کربلا به قتل رسید، آن هم قتالی عظیم و انسانیت بر «منیت» در کربلا پیروز شد. پیروزی که میزان عدل الهی را ترسیم نمود، تا به هر صاحب حقی حق او داده شود، لا اله الا الله میزان شهادتی که حسین (ع) و یارانش (ع) باخون خود بر آن شهادت دادند.

و اما ابلیس (لعنه الله)؛ در کربلا حسین (ع) زنجیرهای به دست و پایش زد، و نیزه‌ای در سینه‌اش نهاد که تا کنون از آن مصیبت فجیع که برایش رخ داده در خون خود غوطه ور می‌باشد و ناله سر می‌دهد. تا اینکه قائم در مسجد کوفه گردن او را می‌زند.

لقد مهد الحسين (عليه السلام) الطريق لدولة العدل الإلهي وكأن الحسين (عليه السلام) ذبح في كربلاء ليملك القائم من ولده وكأن الحسين (عليه السلام) فداء لدولة العدل الإلهي وملك الله سبحانه وتعالى: (وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ). وهكذا كان هذا الفداء أوضح علامات الطريق إلى الله سبحانه وتعالى، ولم يستطع علماء الضلالة غير العاملين على مَرَّ العصور اغتيال الحسين (عليه السلام) أو درسه، ولا يزال وسيبقى علماً يرفرف في السماء لمن طلب الحق.

حسین (ع) راه را برای دولت عدل الهی آماده ساخت، گویی که حسین (ع) در کربلا ذبح شد تا اینکه قائم از فرزندانش حکومت کند. و گویی که حسین (ع) فدای دولت عدل الهی و مُلک خداوند سبحان و تعالی است: (وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ)؛ «و او را در آزای قربانی بزرگی باز رها نیدیم».^(۱۲) این گونه است که این فدایی واضح‌ترین علامت‌های راه به سوی خداوند سبحان و تعالی بود، و علمای گمراه و غیرعامل در ادوار گذشت توانای کشتن حسین (ع) و یا محو سنت او را ندارند، و همواره برای هر حق طلبی، مانند پرچمی به اهتزاز در آمده در آسمان خواهد بود.

ولا نخاف ولا نخشى على الحسين (عليه السلام) من أصوات الحمير، قال تعالى: (مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا)، وقال تعالى: (إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ)، أو قُل العلماء غير العاملين الذين قرروا اغتيال الحسين فقالوا إن الحسين (عليه السلام) يؤيد حاكمية الناس، وهو الذي قتل لنقض حاكمية الناس، واثبات حاكمية الله سبحانه وتعالى. وقالوا إن الحسين يخضع ويداهن الأمريكان بفعالهم وادعائهم تمثيلة، وهو (عليه السلام) أبي الضيم الذي رفع سيفه بوجه الظلم والفساد حتى آخر لحظة من حياته. وقالوا أن الحسين يؤيد حرية أمريكا وديمقراطيتها والحسين (عليه السلام) عبد

الله سبحانه وتعالى ولم يعرف إلا العبودية لله سبحانه وتعالى وامتنال أوامره ونواهيه سبحانه وتعالى. لقد كفر هؤلاء العلماء غير العاملين بحاكمية الله سبحانه وأمنوا بالديمقراطية (ديمقراطية أمريكا) وسموها الحرية. وبالحق أقول لكم: إن هؤلاء العلماء غير العاملين، الذين يؤيدون حرية أمريكا وديمقراطيتها، أحراراً فلو كانوا عبيداً لله لاستحووا من الله. إن الحرية التي عرفها الحسين (عليه السلام) وآبائه (عليهم السلام) وأبناءه الطاهرين (عليهم السلام) هي الكفر بعبودية الطاغوت والأيمان بعبودية الله سبحانه وتعالى: (فَمَنْ يُكْفُرِ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى).

هیچ ترس و واهمه‌ای بر حسین (ع) از صدای این خران نداریم، خدای متعال می‌فرماید: «مثل کسانی که تورات به آنها داده شده و بدان عمل نمی‌کنند مثل آن خراست که کتاب‌های را حمل می‌کند».^(۱۳) همچنین می‌فرماید: «بی‌تردید ناپسندترین صداها صدای خران است».^(۱۴) یا بگو: علمای غیرعاملی که با خود عهد بستند حسین (ع) را دوباره به قتل رسانند. و گفتند: حسین (ع) حاکمیت مردم را تأیید می‌کند. در حالی که ایشان برای نقض حاکمیت مردم و اثبات حاکمیت خداوند سبحان و متعال، بقتل رسید. و با ادعای نمایندگی از او و در عمل گفتند: که حسین (ع) نیز در برابر آمریکا سر می‌نهد. در حالی که ایشان (أبی الضیم) پدر مصایب است، کسی که شمشیر خود را تا آخرین لحظه حیاتش (ع) در برابر ظلم و فساد بالا برد. و همین طور گفتند: حسین (ع) آزادی و دمکراسی آمریکا را تأیید می‌کند. در حالی که حسین (ع) بنده خدای سبحان و متعال است و جز بندگی خداوند سبحان و متعال و انجام اوامر و نواهی او (سبحانه و تعالی) چیز دیگری را نمی‌داند. این علمای غیرعامل به حاکمیت خداوند سبحان و تعالی کفر ورزیده و به دمکراسی (دمکراسی آمریکای) ایمان آورده و آن را آزادی خواندند. و حق را به شما می‌گویم: این علمای غیرعامل که آزادی آمریکای و دمکراسی آنرا تأیید می‌کنند آزاده هستند، و اگر بندگان خدا بودند، از خدا خجالت می‌کشیدند. آزادی که حسین (ع) و پدران و فرزندان طاهرش (ع) شناختند همان کفر به بندگی طاغوت و ایمان به بندگی خداوند سبحان و تعالی است. خدای متعال می‌فرماید: «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار چنگ زده است».^(۱۵)

انصفوا أنفسكم واعطفوا بقلوبكم على الحكمة. لا تشاركوا في اغتيال الحسين (عليه السلام) لا تلتطموا الصدور وتشقوا الجيوب وتسبلوا دمع العيون رياءً وكذباً وزورا، لا تقيموا عزاء الحسين (عليه السلام) لتقتلوا الحسين (عليه السلام) من جديد لا تقولوا ما لا تفعلون: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ). إذا كنتم تريدون إقامة عزاء الحسين (عليه السلام) فلتقمه أرواحكم قبل أجسادكم، ولتبكّه دماءكم قبل دموعكم، ألا ترون أن الدنيا قد أدبرت، وان الآخرة

۱۳. الجمعة: ۵

۱۴. لقمان: ۱۹

۱۵. البقرة: ۲۵۶

قد أقبلت. وقد سيطر على البر والبحر شر وأفسد وأظلم لخلق الله (الأمريكان) وأذناهم الكفرة: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ). لقد انتهكت حرمة الإسلام، وهورب الإسلام طولا وعرضا، فماذا بعد؟!

با خود منصف باشید و با قلب‌های خود به سوی حکمت متمایل گردید. در کشتن حسین (ع) شرکت نکنید، به سینه نزنید و لباس‌های خود را ندرید و اشک‌های ریا و تزویر از چشم‌هایتان جاری نسازید. برای حسین (ع) عزاداری نکنید تا حسین (ع) را از نو بکشید. و آنچه را که انجام نمی‌دهید، نگویید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید * نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید».^(۱۶) اگر می‌خواهید برای حسین (ع) عزاداری کنید، روح شما قبل از اجساد شما، باید آن را دریابد و خون شما قبل از اشک‌هایتان برای او بگرید. آیا نمی‌بینید که دنیا پشت کرده و آخرت در حال فرا رسیدن است؟ و شرورترین و فاسدترین و ظالمترین خلق خدا (آمریکای‌ها) و همدستان پلید و کافرشان بر دریا و خشکی سیطره پیدا کرده‌اند: «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهای که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشانند شاید باز گردند».^(۱۷) حرمت اسلام نگه داشته نشد، و با اسلام از هر جهتی مبارزه شد، پس دیگر منتظر چه چیزی هستید؟!

إذا كنتم حقاً وصدقاً تقولون للحسين (عليه السلام): يا ليتنا كنا معكم فنفوز فوزاً عظيماً. فما هو الحسين حل بين أظهركم بولده الإمام المهدي (عليه السلام) يراكم ويرقب أفعالكم ويرتقب نصرتكم وينادي فيكم: (أعنا تتخاذلون وعن نصرتنا تنكصون؟ حسبنا الله ونعم الوكيل). أفتالتقية تعتذرون عن خذلان آل محمد (عليهم السلام) أم بالخوف أم بقلعة العدد والعدة، ألم يقاتل طالوت بقلعة العدد والعدة جيش جالوت مع كثرة عددهم وضخامة عدتهم، ألم يقاتل محمد (صلى الله عليه وآله) في بدر بقلعة العدد والعدة ونصرهم الله سبحانه وتعالى، أو ليس القرآن يهتف في أسماعكم: (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ).

اگر با حق و صدق نیت به حسین (ع) می‌گویید: ای کاش با شما بودیم و به سر بلندی بزرگی می‌رسیدیم. آگاه باشید که اکنون حسین (ع) به وسیله فرزندش امام مهدی (ع) بین شما ظاهر شده است، و شما را می‌بیند و مراقب کارهایتان است و اشتیاق پیرویتان را دارد و شما را فرا می‌خواند: «آیا به ما پشت می‌کنید، و از یاری ما سر باز می‌زنید؟ خدا ما را بس است و نیکو حمایت‌گری است». و آیا با اتکا به تقیه به آل محمد (ع) پشت می‌کنید و یا به وسیله ترس یا کمی نفرات و تجهیزات؟ آیا طالوت با کمی نفرات و تجهیزات با سپاه جالوت جنگ نکرد، با اینکه آنها تجهیزات و نفرات زیادی داشتند؟ آیا محمد (ص) در

^{۱۶}. الصف: ۲-۳

^{۱۷}. الروم: ۴۱

(جنگ) بدر با نفرات و تجهیزات کم جنگ نکرد، و خداوند آنها را یاری نمود؟ و آیا قرآن در گوش‌هایتان ندا نمی‌دهد: «چه بسیار گروه‌های کوچک که به فرمان خدا، بر گروه‌های بزرگ پیروز شدند! و خداوند، با صابران است».^(۱۸)

يامن تتخاذلون عن نصره الإمام المهدي (عليه السلام) هل تنتظرون إلا الإصطفاف مع السفياي (لعنه الله) وارث يزيد بن معاوية (لعنه الله) بعد إصطفافكم مع الدجال الأكبر (أمريكا) إذا فابشروا بنا روقودها (الناسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ). ماذا ستقولون: بكينا ولطمنا الصدور على الحسين (عليه السلام) سيأتيكم جواب الحسين (عليه السلام): (انتم ممن أشرك في دمي فقد قاتلتم ولدي المهدي). ماذا بعد، هل ستقولون إننا نقف على الحياد، إذا جوابكم: (لعن الله أمة سمعت بذلك ورضيت به). فليراجع كل عاقل نفسه فإنَّ الفُرصَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ. إذا كنتم تطلبون الحق انصروا الحسين (عليه السلام) في هذا الزمان ولا تخافوا (وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ). لا تخافوا من يقتل الجسد، ولكن خافوا من يستطيع أن يهلك الجسد والروح معاً في جهنم. وإذا كان قراركم هو خذلان الحسين (عليه السلام) في هذا الزمان، وإذا اخترتم ظلم أنفسكم فإني أحذركم وأندركم عذاب الله سبحانه وتعالى في الدنيا والآخرة، ولا عذر لكم ولا عاذر.

ای کسانی که از یاری امام مهدی (ع) شانه خالی می‌کنید، آیا منتظر پیوستن به سپاه سفیانی (لعنه الله) وارث یزید بن معاویه (لعنه الله) بعد از پیوستن به دجال بزرگ (آمریکا) هستید؟ پس در این صورت شما را به آتشی بشارت باد، که هیزم آن: «مردم و سنگ‌هایی هستند که برای کافران آماده شده است».^(۱۹) چه خواهید گفت، می‌گویید: برای حسین (ع) گریه کردیم و سینه زدیم؟ حسین (ع) این گونه به شما جواب خواهد داد: (شما از کسانی هستید که در ریختن خونم شریک بودید چرا که با فرزندم مهدی جنگ کردید). بعد از این چه خواهد بود، آیا می‌گویید ما بی‌طرف هستیم؟ در این صورت جواب شما این خواهد بود: (خداوند اُمّتی را که مصیبت را شنید و به آن راضی شده، لعنت می‌کند). پس هر عاقلی به خود بیاید، چون فرصت‌ها مانند ابر می‌گذرند. اگر شما طالب حق هستید، حسین (ع) در این زمان را یاری دهید و نهراسید: «و اگر مؤمن هستید سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید».^(۲۰) از کسی که جسد را از بین می‌برد نترسید، بلکه از کسی که می‌تواند روح و جسم را با هم در جهنم به هلاکت برساند، بترسید. و اگر نیت شما این است که با حسین (ع) در این زمان پیمان شکنی کنید، و اگر ظلم به خود را برگزیدید به شما هشدار می‌دهم و شما را بر حذر می‌دارم از عذاب خداوند سبحان و تعالی در دنیا و آخرت، و هیچ عذر و بهانه‌ای برای شما باقی نخواهد ماند.

^{۱۸}. البقرة: ۲۴۹

^{۱۹}. البقرة: ۲۴

^{۲۰}. آل عمران: ۱۳۹

وأنا وأعوذ بالله من الأنا لن أدعو بتعجيل العذاب ونزوله بكم وإن كنت أراه قد أظلمكم، وسأصبر ولو شاء الله ألف عام حتى يقضي الله أمر كان مفعولاً، ولن أشكوكم إلى الله بل سيشكوكم جدي رسول الله (صلى الله عليه وآله) لأنه وصى بي وذكر اسمي ونسبي وصفتي وسيشكوكم آبائي الأئمة (عليهم السلام) لأنهم ذكروني باسمي ونسبي وصفتي ومسكني، وستشكوكم دماء الحسين التي سألت في كربلاء لله سبحانه ولأجل أبي (عليه السلام) ولأجلي. وسيشكوكم أنبياء الله سبحانه وتعالى ورُسله، سيشكوكم إشعيا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذُكرت فيها، كل هذا وتخذلونني؟! أريد حياتكم وأريد نجاتكم فأعينوني على أنفسكم.

و من، و از منیت به خدا پناه می‌برم، برای تعجیل عذاب و نزول آن دعا نمی‌کنم، هر چند که عذاب را می‌بینم که به شما نزدیک شده و شما را احاطه کرده است؛ بلکه صبر خواهم کرد، حتی اگر خداوند هزار سال هم بخواهد، تا اینکه وقت امری که انجام شدنی است، فرا رسد. و از شما نزد خداوند متعال شکایت نمی‌کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا (ص) خواهد کرد چرا که او به من وصیت کرد و اسم من، نسب من، صفات من را ذکر کرده است. و شکایت شما را پدرانم ائمه (ع) خواهند کرد زیرا که آنها، اسم و نسب و صفات و مسکن من را، ذکر کردند. و خون حسین که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم (ع) و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. و انبیاء خداوند سبحان و متعال و فرستادگانش از شما شکایت خواهند کرد، اشعیا و دانیال و عیسی و یوحنا ی بربری از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا از سال‌های طولانی پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجیل و قرآن که در آن ذکر شده‌ام از شما شکایت خواهند کرد؛ با وجود این همه دلایل باز مرا انکار می‌کنید و مرا یاری نمی‌دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید.

طوبى لمن ينحر نفسه بين يدي ربه، طوبى لمن يقتحم العقبة، طوبى لمن لا يعثر بي، طوبى للغرباء المجانين عند أهل الأرض، العقلاء عند أهل السماء، وأنا وأعوذ بالله من الأنا العبد الفقير المسكين المستكين بين يدي ربه أدعو كل عاقل يطلب الحقيقة ليحمل فأساً كما حمله ابراهيم (عليه السلام) ويحطم كل الأصنام التي تعبد من دون الله بما فيها الصنم الموجود بين جنبيه وهو الأنا.

خوشا بحال کسی که نفس خود را در راه خدا قربانی کند، خوشا به حال کسی که از گردنه صعب العبور «عقبه» بگذارد، خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد، خوشا به حال غریبان دیوانه نزد اهل زمین، عاقلان نزد اهل آسمان. و من، و از منیت به خدا پناه می‌برم، بنده فقیر مسکین بینوا در میان دستان خداوند هر عاقلی که طالب حقیقت است را دعوت می‌کنم تا تبری به دست گیرد همان طور که ابراهیم (ع) انجام داد و همه بت‌هایی را که غیر از خداوند مورد پرستش قرار می‌گیرند را نابود سازد، من جمله بت موجود در میان وجود انسان که منیت است.

وان یكثر من ذکر الله، واعلم انک مهما اُکثرت لن تعد الغافلین، حتی توالی ولی الله، وتکون من الساجدین و اقل العرجة علی الدنیا، واعلم انک مهما زهدت فیها حریص، حتی تقتحم العقبة وتُفک رقبتک من نار الدنیا والاخرة: (فَلَا افْتَحَمَ الْعُقَبَةَ * وَمَا اَدْرَاکَ مَا الْعُقَبَةُ). عن أبان بن تغلب عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: (قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَوْلُهُ: فَلَا افْتَحَمَ الْعُقَبَةَ، فَقَالَ: مَنْ اُكْرِمَهُ اللهُ بِوَلَايَتِنَا فَقَدْ جَاَزَ الْعُقَبَةَ، وَنَحْنُ تِلْكَ الْعُقَبَةُ الَّتِي مَنِ افْتَحَمَهَا نَجَا. قَالَ: فَسَكَتَ، فَقَالَ لِي: فَهَلَّا اُفِيدُكَ حَرْفًا خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ (عليه السلام): قَوْلُهُ فَكُ رَقَبَةً، ثُمَّ قَالَ: النَّاسُ كُلُّهُمْ عَبِيدُ النَّارِ غَيْرُكَ وَاصْحَابِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فَكٌ رِقَابِكُمْ مِنَ النَّارِ بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ).

و بسیار به یاد خدا باش و بدان هر چه بیشتر به یاد خدا باشی از غافلان نخواهی بود. تا اینکه از ولی خدا تبعیت کنی و از ساجدین خواهی بود و کمترین توجه را به دنیا داشته باش و بدان هر چقدر که زهد پیشه کنی، باز هم حریص خواهی بود تا اینکه از گردنه «عقبه» بگذری و خود را از آتش دنیا و آخرت نجات دهی: (فَلَا افْتَحَمَ الْعُقَبَةَ * وَمَا اَدْرَاکَ مَا الْعُقَبَةُ)؛ «نخواست از گردنه بالا رود * و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست». ^(۲۱) أبان بن تغلب از ابي عبدالله (ع) روایت می کند که: «به وی عرض کردم: فدایت شوم معنی: (فَلَا افْتَحَمَ الْعُقَبَةَ) چیست؟ فرمود: هر کس به وسیله ولایت ما، خداوند او را تکریم کرده باشد از عقبه سالم می گذرد، و آن عقبه ما هستیم که هر کس از آن گذشت نجات پیدا کرده است. و سپس بعد از سکوتی فرمود: آیا چیزی به تو بیاموزم که برایت بهتر از دنیا است و آخرت در آن باشد؟ گفتم آری فدایت شوم، فرمود (ع): خداوند می فرماید: (فَكُ رَقَبَةً) «آزاد کردن گردن خویش». سپس فرمود: مردم همه بندگان آتش هستند، غیر از تو و یارانت زیرا که خداوند شما را به وسیله ولایت ما از آتش دوزخ رهایی بخشیده است». ^(۲۲)

وقال عيسى (عليه السلام): (طوبى لمن لا يعثر بي). إنحر نفسك بين يدي ربك لتفوز اليوم وغدا بكأس لن تنظماً بعدها أبدا: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ).

و عیسی (ع) فرمود: «خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد». ^(۲۳) خود را در میان دستان پروردگار قربانی کن، تا امروز و فردا (قیامت) پیروز گردی و از جامی بنوشی که هرگز بعد از آن تشنه نشوی: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ)؛ «ما به تو چیزی گرانها بخشیدیم، پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن!». ^(۲۴)

^{۲۱} . البلد: ۱۱-۱۲

^{۲۲} . الکافی - ط دار الحدیث (الشیخ الكلینی)، ج: ۲، ص: ۴۱۰ - تفسیر فرات ج ۱ ص ۵۵۸ - المناقب ج ۲ ص ۱۵۵.

^{۲۳} . إنجیل متی : ۶:۱۱

^{۲۴} . الکوثر: ۱-۲

قال الإمام الرضا (عليه السلام): (سمعت أبي موسى بن جعفر (عليه السلام) يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد (عليه السلام) يقول: سمعت أبي يقول: سمعت أبي علي بن الحسين (عليه السلام) يقول: سمعت أبي الحسين بن علي (عليه السلام) يقول: سمعت النبي (صلى الله عليه وآله) يقول: سمعت الله عز وجل يقول: لا إله إلا الله حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي. قال: فلما مرت الراحلة نادانا، بشروطها. وأنا من شروطها). والحق أقول لكم وأنا من شروطها.

امام رضا (ع) فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر (ع) شنیدم که می فرمود: از پدرم جعفر بن محمد (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن حسین (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم حسین بن علی (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) شنیدم که فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: از خدای عز وجل شنیدم که فرمود: لا اله الا الله دژ مستحکم من است، هر کس وارد آن شود از غذاب من در آمان خواهد بود. راوی گوید: هنگامی که مرکب سواری حضرت حرکت کرد، (امام - علیه السلام) به ما ندا داد: با شرایط آن، و من از شرایط آن هستم.»^(۲۵) و به حق به شما می گویم که من از شرایط آن هستم.

أَتَيْتُكُمْ بِسَمِّ الإِمَامِ المَهْدِيِّ (عليه السلام) وَلَمْ أَطْلِبْ مَشِيئَتِي بَلْ مَشِيئَتَ الَّذِي أَرْسَلَنِي، لَمْ أَطْلِبْ مَجْدِي بَلْ مَجْدَهُ: فَمَنْ لَا يَقْبَلُنِي لَا يَقْبَلْ أَبِي الَّذِي أَرْسَلَنِي، وَالْحَقُّ أَنَّ مَنْ لَا يُكْرِمُ الإِبْنَ لَا يُكْرِمُ الأبَّ الَّذِي أَرْسَلَهُ. أَمَرَنِي أَبِي الإِمَامِ المَهْدِيِّ (عليه السلام) أَنْ أَقُولَ هَذِهِ الكَلِمَاتِ: (أَنَا حَجَرٌ فِي يَمِينِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَلْقَاهُ فِي يَوْمٍ لِيَهْدِي بِهِ سَفِينَةَ نُوحٍ، وَ مَرَّةً لِيُنَجِّي إِبْرَاهِيمَ مِنْ نَارِ نَمْرُودَ، وَ تَارَةً لِيُخَلِّصَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الحُوتِ، وَ كَلَّمَ بِهِ مُوسَى عَلَى الطُّورِ، وَ جَعَلَهُ عَصَا تَفْلِقِي البِحَارِ وَ دِنُوعَ لِدَاوُدَ، وَ تَدْرَعَهُ بِهِ فِي أَحَدِ، وَ طَوَاهُ فِي يَمِينِهِ فِي صِفِينِ). مَنْ لَهُ أُذُنَانِ فَلْيَسْمَعْ: هَذِهِ دَابَّةُ الأَرْضِ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ، وَ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) المُزْمَعُ أَنْ يَأْتِي: (إِذَا وَقَعَ القَوْلُ عَلَيهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ).

به نام امام مهدی (ع) به سوی شما آمده‌ام، و خواسته خویش را دنبال نمی‌کنم بلکه خواسته کسی را خواستارم که مرا فرستاده است، عظمت خود را نمی‌خواهم بلکه عظمت ایشان را خواستارم. و هر کس مرا نپذیرد، کسی که مرا ارسال کرده است را نپذیرفته است. و به درستی که هر کس به فرزند احترام نگذارد به پدری که او را ارسال نموده، احترام نگذاشته است. پدرم امام مهدی (ع) مرا امر به گفتن این کلمات کرده است: «من سنگی در دستان علی بن ابی طالب (ع) بودم که روزی آن را انداخت تا کشتی نوح را هدایت کند، و یکبار برای نجات ابراهیم از آتش نمرود، و باری دیگر برای نجات یونس از شکم

نهنگ، ارسال نمود. و به وسیله آن با موسی در طور سخن گفت، و آن را عصایی برای شکافتن دریا و سپری برای داود قرار داد، و در أحد آن را به عنوان سپری برای خود به کار برد، و در صفین آن را بر دست راستش بست». کسی که گوش دارد بشنود: این جنبنده زمین است که با مردم صحبت می‌کند، و این علی بن ابی طالب (ع) است که می‌بایست بیاید: «چون آن سخن بر ایشان محقق گردد، جنبنده‌ای از زمین برایشان بیرون می‌آوریم تا با آنان سخن بگوید که: این مردم به آیات ما یقین نداشتند».^(۲۶)

اللهم اشهد إني قد بلغت، اللهم اشهد إني قد بلغت، اللهم اشهد إني قد بلغت.

بسم الله الرحمن الرحيم

(المص * كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ * اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ * وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ * فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ لَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ * فَلَنَقْصِنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ * وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ * وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ * وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ * قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ * قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ * قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ * قَالَ فَبِمَا أَعْوَيْتَنِي لَأُفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ * قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ). صدق الله العلي العظيم.

خداوندا تو خود شاهد باش که من ابلاغ کردم، خداوندا تو خود شاهد باش که ابلاغ کردم، خداوندا تو خود شاهد باش که من ابلاغ کردم.

بسم الله الرحمن الرحيم

«الف لام میم صاد * کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده پس نباید در سینه تو از ناحیه آن تنگی باشد تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد * از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکر می‌شوید! * چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را هلاک کردیم! و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. * و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد سخانشان جز این نبود که گفتند راستی که ما ستمکار بودیم * پس قطعاً از کسانی که پیامبران به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید و قطعاً

از خود فرستادگان نیز خواهیم پرسید * و از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما از احوال آنان غایب نبوده‌ایم * در آن روز میزان حق است پس هر کس میزانهای (عمل) او گران باشد آنان خود رستگارانند * و هر کس میزانهای (عمل) او سبک باشد پس آنان‌اند که به خود زیان زده‌اند چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند * و قطعاً شما را در زمین قدرت (عمل) دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم اما چه کم سپاسگزاری می‌کنید * و در حقیقت شما را خلق کردیم سپس به صورتگری شما پرداختیم آنگاه به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس همه سجده کردند جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود * فرمود: چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی. * فرمود: از آن مقام فرو شو تو را نرسد که در آن جایگاه تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی * گفت: مرا تا روزی که مردم برانگیخته خواهند شد مهلت ده * فرمود: تو از مهلت‌یافتگانی * گفت: پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی من هم برای فریفتن آنان حتماً بر سر راه مستقیم تو خواهم نشست * آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت. * فرمود: مَنفُورٌ مَطْرُودٌ از آن مقام بیرون شو که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند جهنم را از همه شما پر خواهیم کرد». ^(۲۷) صدق الله العلی العظیم.

والحمد لله رب العالمین ^(۲۸)

^{۲۷}. الأعراف: ۱-۱۸

^{۲۸}. احمدالحسن

وصي ورسول الإمام المهدي (ع)

۸ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ. ق.

تهیه و تنظیم:



صادق شکاری

جمادی الاول ۱۴۴۳ هـ ق

sadeghshekari۱۰۳۱۳.blogspot.com

sadeghshekari.over-blog.com

pinterest.com/almahdyoon

t.me/Sadeghansary

sadeghshekari.com

sadeghshekari.blog.ir

facebook.com/sadeghshekari10313

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای رسمی مراجعه نمایید:

almahdyoon.co

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌های سید احمد الحسن \(ع\) همراه با زیرنویس فارسی](#)